

این نتیجه رسید که باید در رژیم مبارزه با گرمایش زمین تغییری انقلابی صورت گیرد. در شش سال پس از اجلاس کپنهاگ کشورها شرایط را برای برگزاری اجلاسی متفاوت در سال ۲۰۱۵ در پاریس مهیا کردند. مجموعه قواعد رژیم اقلیمی دگرگون شده بود. تمرکز برگزارکنندگان اجلاس پاریس به‌جای تعهدات حداکثری برای تعداد محدودی از کشورها به سمت تعهدات کمتر ولی برای همه‌ی کشورهای عضو چرخش کرده بود. از آنجاکه قواعد رژیم پاریس دارای انعطاف قابل توجهی بود، توانست مشارکت قریب به‌اتفاق کشورهای جهان را به‌همراه داشته باشد. نحوه‌ی شکل‌گیری یک رژیم ارتباط مستقیمی با میزان موفقیت رژیم خواهد داشت. به‌طورخاص میزان هزینه‌های طلب شده از اعضا با میزان مشارکت اعضا رابطه‌ی عکس دارد. اگر هزینه‌های یک رژیم برای اعضا زیاد باشد باعث کاهش مشارکت خواهد شد و در نتیجه کاهش مشارکت، هزینه‌ی اعضای وفادار به رژیم افزایش خواهد یافت و چنانچه در کیوتو مشاهده شد این سیکل معیوب درنهایت می‌تواند موجب شکست رژیم گردد. اما برعکس این رابطه نیز صادق است. اگر مشارکت در یک رژیم بالا باشد، می‌تواند هزینه‌های اعضای وفادار به رژیم را کاهش دهد؛ و متعاقباً چنانچه هزینه‌های پیوستن به یک رژیم کاهش یابد می‌تواند به افزایش مشارکت منتج شود. در چنین شرایطی رژیم در یک سیکل سالم قرار می‌گیرد که درنهایت می‌تواند به بقا و موفقیت رژیم کمک کند.

برای موفقیت یک رژیم دو عامل نقش تعیین‌کننده دارند: وسعت مشارکت در یک رژیم و عمق تعهدات پذیرفته‌شده. اگرچه بدون حضور یکی از این عوامل رژیم راه به‌جایی نمی‌برد و لازمه‌ی موفقیت یک رژیم داشتن هر دو عامل به‌صورت توأمان است؛ اما تقدم و تأخر این دو عامل نقشی اساسی ایفا می‌کند. چنانچه پیش‌تر آمد، رژیم‌هایی که اولویت را به عمق تعهدات می‌دهند، به‌میزان مشارکت آسیب می‌رسانند؛ و درنهایت نیز توان جذب مشارکت کافی را نخواهند داشت. چراکه دولت‌های بیرون مانده از رژیم صاحب موقعیتی خاص می‌گردند؛ که موجبات سواری مجانی را برای‌شان فراهم می‌کند و چنان غرق در نقض قواعد